

ضمانت اجرائی عمل در حقوق اسلام

هر کشوری را دو یا سه قوهٔ مدیره اداره میکند. اولی قوهٔ مقننه درمی قوهٔ مجریه سومی قوهٔ قضائیه بین علمای حقوق در اینکه قوهٔ قضائیه بنفسه استقلال دارد یاخیر اختلاف دیده شده بهرحال آنچه مورد اتفاق است لزوم وجود قوهٔ مقننه و مجریه میباشد.

قوهٔ مقننهٔ قوانین مورد نیاز حیات اجتماعی بشر را وضع و تصویب میکند.

قوهٔ مجریه همانطوریکه از اسمش معلومست مامور اجرای قوانینی میباشد که از طرف مقامات صلاحیت دار قانونی با تشریفات مخصوصی وضع و تصویب میگردد. بنابراین قوهٔ مجریه بمنزلهٔ ضامن اجرای قوهٔ مقننه میباشد.

ادیان عموماً و اسلام خصوصاً علاوه از اینکه مثل سایر قوانین اجتماعی قوهٔ اجرائی متناسبی را در ظاهر پیش بینی کرده (از قبیل حدود و قصاص و ودیات و تعزیر) تا حافظ قوانین اسلام و مجری منویات شارع باشد به ضامن اجرای ثانوی مهمی نیز اتکا دارند و آن عبارت از ایمان به غیب است که طبعاً در مؤمنین بمبادی دینی ایجاد میشود.

امروز در نتیجهٔ علل گوناگون؛ اعتقاد اکثر مردم بمبادی و مبانی دینی سست شده ولی آنچه را که نمیتوان انکار کرد وجود حقیقت و معنائی است که در ضمیر متألّهین و معتقدین بعالم غیب وجود دارد.

قبول داریم که تعلیم و تربیت و توسعه دادن محیط فکر و بکار انداختن مغز اثر محسوسی در تنظیم امور حیاتی بشر دارد ولی این نکته مهم را نیز باید در نظر گرفت که نیروی نفسانی اولاد آدم خیلی قوی است

ضمانت اجرائی... گنج شایگان

و همین قوت موجب شده طرفداران مکتب مادی بجز نیروی خود خواهی چیزی را در انسان نپذیرند بنا بر این تفوق و غلبه دادن معنویات بر مشتهیات مستلزم وجود عامل دیگری میباشد

امروز فرد معتدلی را که از نعمت انصاف و عدالت برخوردار باشد و در عالم اجتماع از ارتکاب کردار ناپسند و مضر خودداری کند باید در تیپ متدین و معتقد بجوئیم . —

منحصراً با امروز نیست در گذشته نیز بشهادات تواریخ اکثر رادمردانی که وجود آنها منشأ آثار مفید و مثبت گشته و خدمت حقیقی به بشر انجام داده اند از گروه دیندار و معتقد بوده اند .

این امر دو علت دارد

اول اینکه این دسته بنا بعقیده خود به محاسبه ای باور دارند و یقین کرده اند که از نتیجه کردارشان بطور حتم برخوردار خواهند شد علیهذا بخاطر حب نفس هم باشد از ارتکاب منهیات و امور منافی دین پرهیز میکنند زیرا بنا بنصوص و آیات دینی این باور در ضمیرشان راسخ و استوار گشته که هر عمل هر چند مختصر و کوچک باشد مجازات و پاداشی دارد بنحویکه فرار از آن مستمم میباشد

در وصایای لقمان به پسرش در قرآن مجید آمده است

يا بنی انھا ان تک مثقال حبة من خردل و تکن فی صخرة اوفی السموات او فی الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر (۳۱-۱۶) یعنی ای پسر من اگر بقدر وزن خردلی از تو عملی صادر شود و این عمل در توی سنک یا آسمانها یا زمین باشد پروردگار جزای آن را بتو میرساند بدرستی که خدا دقیق و آگاهست .

در قرآن کریم این قبیل آیات بطور وفور یافت میشود

آنانکه پیدایش اسلام را یک پدیده مادی میدانند باید باین نکته توجه کنند که در بدو ظهور اسلام سالها صحبت از ماده و مال و مالیات و تجارت و سایر قوانین مادی در بین نبوده بلکه اگر بقرآن مجید توجه کنیم غالباً سوره کوچک که در اوایل بعثت نازل شده فاقد جنبه مادی بوده و بالعکس متضمن و موجد معنویات و روحانیت بوده است

القارة ما القادعة... والعصران الانسان لفی خسر... اذا زلزلت الارض

ضمانت اجرائی ... شایسته شایسته

زلزالها... اذالسماء انه طرت... والتین والزیتون... واللیل اذ یغشی والشمس
والضحیها... لا اقسیم بهذا البلد... والدجر ولیل عشر والسماء والطارق...
هل اتیک حدیث العاشیه... والسماء ذات البروج... اذالسماء انشقت... اذالشمس
کورت.

اینها سوره‌هایی از قرآن است که صدی نود مطالب آنها مربوط
به عالم غیب بوده و در اوایل بعثت نازل شده و نظایر این سوره فراوان
میباشد در غالب سوره‌های مورد ذکر نه صحبتی از تجارت دیده میشود و
ناز مالیات و سایر روابط مادی ... چرا؟

علتش واضح است پروردگار توانا و دانا در ضمن این سوره بسا
عبارات مختلف و معنای واحد این مطلب را بسع بشر میرساند که بطور
قطع و بدون تردید هر فرد مرهون مکاتبات خود میباشد و غیر از عمل
صالح و قلب سلیم برای خود در طی مراحل حیات ملجاء و ملاذی تصور
نکند و سعادت و آسایش را در کردار حسنه و اعمال خیر بجوید ...
با این شرح در هر گونه تقلب و ربا و دغلكاری بروی مردم بسته
شده و افراد بشر ناچارند با توجه بمدلول این دستور دائماً و در هر قدم
متوجه کردار خود باشند و با تمام قوا خویشتن را کنترل کنند پس سر این
نکته که در سوره بدوی تمام توجه و عنایات بمنویات بوده کاملاً واضح
میشود یعنی شارع اسلام اول ضامن اجرا را ایجاد نموده بعد شروع به
تشریح کرده است

دوم — دلیل ثانوی بر اینکه غالباً گروه صالح جامعه را افراد
متدین تشکیل میدهند اینست که ایندسته خود را در مقابل پروردگاری می
بینند که بهمه چیز دانا و آگاهست *یعلم خائفة الاعین وما تخفی الصدور*
(پروردگار خیانت چشمها و اسرار ضمائر را میداند) این قبیل آیات که در
قرآن مجید بطور وفور یافت میشود بشر را محاط در علم خدا قرار میدهد.
در این صورت انسانی قادر نیست در برابر چنین خدائی به تصنع و ربا
و ظاهر سازی متوسل شود زیرا خدائیکه به راز دلها و قوف دارد محال
است عمل تصنعی را بپذیرد و یا از دغلكاری غافل باشد علیهذا بشر در
مقابل چنین دستگاه عدالت جز اینکه عمل خالص عرضه کند چاره‌ای ندارد
و همین ضامن اجراست که مردم را باجرا جزئی ترین دستورات دینی علاقه‌مند

ضمانت اجرائی... گنج شایگان

و مجبور میکند و باز ایمان و اعتقاد بهمین مبادی است که بشر را با اجرای عدالت حقیقی ولو بر علیه نفس خود ملتزم مینماید والا دانستن موضوعی بعمل آن التزام نمیکند.

امروز می بینیم فهیم ودانا و سیاستمدارترین پیشوایان که به جزء و کل شئون اجتماعی و سیاسی بشر آگاهی دارند مصدر چه جنایتهائی میشوند اگر علم بنهنائی کافی بود می بایست کره ارض امروز تبدیل به بهشت میشد در حالتیکه برعکس تمدن مادی بشر نسبت مستقیم با توحش و انحطاط اخلاقی دارد مگر اینهمه ستمکاران نمیدانند که بیداد مذموم و خیانت ناپسند است ؟

پس چرا عالماً و عامداً مرتکب تمهکاربیهائی میشوند که در تاریخ بشریت برای موجود دوپاننگ دائمی بیادگار می ماند

علت این همه خیانات قوت یافتن نیروی خودخواهی است که باختلاف مظاهر در محیطهای مختلف برنگهای گوناگون جلوه گر میشود و تا علاجی بتعدیل این خوی حیوانی نشود سروسامانی در اوضاع اجتماعی پدیدار نخواهد شد

متأسفانه بعلت ضعف نیروی ایمان قوای نفسانی بشر قوت یافته و عدالت و نوعدوستی و عاطفه و نصفت دچار محاق خودپرستی گشته ودائره اش بحدی وسعت یافته که بیان آن با نتایج و وبالش در چنین روزهایی توضیح واضحات میباشد.

ملیونها جوان در خاک بخون خود آغشته میگردند جنکهای تن به تن که یادگار قرون توحش میباشد در عصر تمدن جای خود را به قتلگاههایی میدهد که در یک چشم بهم زدن صدها هزار موجود جاندار اعم از انسان و حیوان زیر بمب های آتش زا معدوم میشوند.

خانه ها ویران و شهرهای آباد تبدیل به خاکستر میگردند نونهالان معصوم و غنچه های خندان چشم انتظار ابدی براه پسران دارند. پسران و مادران در عزای پسران خود که بطرز فجیعی بیدار عدم رفته اند سنگ ماتم بسینه میزنند

نوعروسان در فراق شوهران جوان اشک حسرت میریزند.

آسایش و استراحت سیمرغ وار از بین جهانیان رخت بر بسته و در

ضمائم اجرایی... ————— گنج شایگان

پشت جهان مادی مستور شده چرا ؟ .. برای اینکه بشر پرشور باصطلاح خود سعادت و استراحت میجوید .

هرگز حرف بنیامین فرانکلن را فراموش نمیکنم که گفته است اگر مردم با اینقدر بولیکه در راه جنگ خرج میکنند زمین بخرند از آن تر از زیانهایی که بوسیله جنگ و خون ریزی بدست میآورند تمام میشود بدون شك اگر پرده از روی این جنایات هواناک بیفتد و ماهیت آن که در زیر نقاب حق و عدالت خودنمایی میکند مورد تجزیه و تحلیل واقع شود باین نتیجه میرسیم که این همه جنایات و خون ریزیها تیکه بنام اقامه حق انجام می یابد مولود آز و شهوت افرادی میباشد که بسائق خوی نفسانی بر عقول هموع مهار زده و اجتماع بشر را به پرتگاه فنا سوق میدهند و همین بشری که جویای سعادت و خواستار صلاح و آبادی و رفاه بود با دست خود کاخ سعادت را بسرش سرنگون کرده و زحمات صد ساله اسلاف خود را که در راه مصالح ممنوع تحمل کرده اند بیاد فنا میدهد اینست که برای هزارمین بار در تاریخ تصور بشر نوشته و ثابت میشود شرط انحصاری عمل تنها دانستن نیست بلکه وجود عامل ثانوی جهت الزام بعمل ضرورت دارد .

از شما می پرسم غیر از دین عاملیکه بشر را بنحو اتم باجرای اعمال و قوانین مخالف خود پرستی و نفسانیت ملزم کند کدام است ؟ آری عرفان آن گوهر گرانبها و جوهر حقیقی انسانی که مولود خلف دین است میتواند اسب شهوت را مهار کند و صلح و صفا و سعادت را بجامعه بشر نثار نماید .

حقیقت عرفان بحثی است که موضوع مقاله آینده میباشد .

پرتال جامع علوم انسانی